

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

صادق زیباکلام از زندگی شخصی اش می گوید

نه تلویزیون می بینم نه ماهواره، نه سینما

این روزها کتاب و صفحات سیاسی روزنامه‌ها را هم نمی خوانم
هیچ وقت دوست ندارم تیم ملی برنده شود
فوتبال بر تنور نژاد پرستی ما ایرانی‌ها می دمد

به ناز مقدسی اجذاب ترین بخش از زندگی سلبریتی‌ها چه در عالم هنر و ورزش و چه در عالم سیاست زندگی خصوصی آنها است. زندگی خصوصی صادق زیباکلام هم از این قاعده مستثنی نیست و با همه اینها در کارنامه نیم‌قرن فعالیت‌های سیاسی اش که او را تبدیل به یک چهره کرد، کمتر کسی به زندگی شخصی او پرداخته شده است؛ اینکه خط فکری او و همسرش چقدر شبیه به هم است یا اینکه آقای زیباکلام چقدر فیلم می بیند و اصلاً آنقدر که درباره فوتبال و سینما اظهار نظر می کند، ورزش دوست یا فیلم باز هست یا نه؟! در بخش دوم مصاحبه با این استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی صمیمانه و خودمانی تر گفت و گو کردیم.

• آقای زیباکلام دوران کودکی و جوانی هر انسانی بخش مهمی از زندگی او را تشکیل می دهد. به همین دلیل بخش نخست گفت‌وگو را با این دوران زندگی‌تان شروع کردم؛ اما حالا بعد از سال‌ها فعالیت‌های سیاسی شما از قبل تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌خواهم از زندگی امروزتان بگویم.

زندگی می‌کنم مثل همه مردم (باخنده) اما یک وعده‌ای که به خودم داده‌ام این است که بعد از بازنشستگی از تدریس و دنیای سیاست به سراغ چیزهایی بروم که دوست دارم؛ مثل خواندن رمان و شعر، دیدن فیلم و رفتن به سینما. یاحقی وقت گذاشتن بیشتر برای خانواده و نوه‌هایم. در واقع یک مقدار برای چیزهایی که خودم دوست دارم، زندگی کنم؛ نه به خاطر چیزهایی که در این سال‌ها خودم را موظف به انجامشان دانسته‌ام.

• شما یکی از فعالان سیاسی در همه دوران زندگی‌تان بودید، چه آن زمان که عقایدتان را با اعلامیه به دست مردم می‌رساندید چه الان که با پیشرفت علم در دنیای اینترنت فعالیت می‌کنید. این روزها شبکه‌های اجتماعی چقدر در زندگی صادق زیباکلام نقش دارد؟

واقعیت این است که در چند سال اخیر پدیده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وارد زندگی همه ما شده است. حالا دیگران را نمی‌دانم اما من خیلی از وقتی که در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانم، خوشحال نیستم؛ چون ترجیح می‌دهم وقتم را به مطالعه و نوشتن بگذرانم. در عین حال بعضی وقت‌ها هم فکر می‌کنم شبکه‌های اجتماعی هم مثل نوشتن است. به جای اینکه حالا مقاله‌ای بنویسم، می‌توانم همان را در اینترنت بنویسم تا بازدید کنندگان خودش را داشته باشد.

• شبکه‌های اجتماعی در زندگی اغلب مردم نفوذ کرده است و خیلی‌ها زمان زیادی را صرف این فضای مجازی می‌کنند. شما چقدر وقتتان را صرف اینستاگرام، توئیتر می‌کنید؟

تقریباً هر روز یک پست روی صفحه اینستاگرام می‌گذارم و اغلب هم این پست‌ها سیاسی هستند. هفته‌ای ۲ تا ۳ بار در اکانت توئیترم موضوعی را توئیتم می‌کنم.

• برای کتاب خواندن هم وقت می‌گذارید؟

متأسفانه الان مدت‌ها است که وقت زیادی برای کتاب خواندن پیدا نمی‌کنم؛ اما روزنامه‌ها را هر روز می‌خوانم.

• کدام روزنامه‌ها را بیشتر می‌خوانید؟

نمی‌توانم بگویم یک روزنامه را می‌خوانم و یک روزنامه را نمی‌خوانم؛ در واقع من به همه مطبوعات تگای می‌اندازم. چه صفحاتی در روزنامه‌ها برای شما مهمتر است؟ منظورم این است که چه حوزه‌ای را بیشتر مطالعه می‌کنید؟

صفحات مربوط به گزارش‌های محیط زیست، فرهنگی و مسائل اجتماعی؛ اما به هیچ وجه صفحه سیاسی روزنامه‌ها را نمی‌خوانم.

• حوزه اصلی فعالیت شما در زمینه مسائل سیاسی است؛ جالب است که این صفحه‌ها را نمی‌خوانید؛ دلیلش چیست؟

راستش به نظر من در صفحه سیاسی روزنامه‌های الان موضوع و تحلیل دندان‌گیری وجود ندارد که برای من جالب باشد!

• از گزارش‌هایی که در روزنامه‌ها می‌خوانید، در جایی از تحلیل‌ها یا مقالاتتان استفاده هم می‌کنید یا سوزو‌هاش را برمی‌دارید؟

وصلت اصلاح طلب و اصولگرا

عقاید و دیدگاه‌های صادق زیباکلام نه تنها در جهت مخالف همسر و برادرش است بلکه چند سال پیش باز دواج یکی از دخترانش با پسر احمد توکلی (سیاست مدار اصولگرا) یک قطب دیگر از مخالفان اوبه جمع خانواده اش پیوست. زهیر توکلی که در روزنامه همشهری با دختر زیباکلام آشنا شده بود در نهایت با او دواج کرد اما همواره در مصاحبه‌هایش گفته است که فرار نیست عقاید و نظراتش را به پدرزنش تحمیل کند.



عکس‌ها: نسیم اعتمادی / شهروند

• آقای زیباکلام! چون روحیه تحلیلگر و ریزبین شما را نسبت به مسائل مختلف می‌دانم، برای من سوال است که در زمان دویدن ذهن‌تان را از تحلیل و درگیری‌های روز خالی می‌کنید یا هنگام دویدن باز هم این افکار با شما می‌دود؟

راستش خیلی وقت‌ها هنگام دویدن فکرهایی به ذهنم می‌رسد و بعضاً اگر نکته جالبی باشد، می‌ایستم و در موبایلم یادداشت می‌کنم تا یادم نرود دوباره به دویدن ادامه می‌دهم! (باخنده)

• شما یکی از کسانی بودید که معتقد بود تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی نتیجه خوبی نمی‌گیرد، اما واقعیت این است که اگر چه تیم ایران راهی مرحله بعد بازی‌ها نشد اما نتیجه‌های بدی نگرفت. اساساً فوتبال دوست هستید یا نه؟

راستش نه! فقط دوران جوانی که در انگلیس بودم، طرفدار تیم لیورپول و منچستر یونایتد بودم. معتقدم ما ایرانی‌ها نژادپرست هستیم و برد در فوتبال یک جوهریایی به این تنور نژادپرستی می‌دمد. به نظر من نباید چیزهایی که باعث پررنگ شدن این حس نژادپرستی می‌شود، تقویت شود؛ نژادپرستی یک خصیصه فرهنگی منفی در همه دیاسپورا و چون برد در بازی فوتبال برای ما باعث دامن زدن به این رفتار می‌شود من هیچ وقت دوست نداشتم تیم ملی فوتبال ایران برنده شود! البته در این بازی‌های اخیر در روسیه یک پدیده دیگری هم به وجود آمد، یعنی احساس می‌کردم فوتبال برای مردم ابزاری شده تا معایر بودن و ناراحتی‌شان از وضعیت فعلی کشور را نشان دهند، بنابراین اساساً خیلی‌ها با طرقداری از فوتبال می‌خواهند بگویند فوتبال برای ماست و ربطی به حکومت ندارد. شاید این را برخی از مسئولان هم فهمیده بودند که حتی پیروزی در فوتبال را به پیروزی سیاسی هم نسبت دادند و می‌گفتند پیروزی در فوتبال پیروزی نظام است.

با اتوبوسی‌های قالیباف رفت و آمد می‌کنم

• در تمام این سال‌ها مردم چهره شما را در حال فعالیت‌های سیاسی، تدریس، مناظره و تحلیل مسائل سیاسی دیده‌اند؛ اما قطعاً به غیر از این چهره از زندگی حرفه‌ای‌تان تقریباً هیچ‌چیز ندانم. تفریح مورد علاقه شما چیست؟

لذت بخش ترین تفریح برای من احساسی است که بعد از ۲ ساعت دویدن پیدای می‌کنم. چه زمانی فرصت ورزش و دویدن پیدا می‌کنید؟

خانه من در سعادت آباد است و قبلاً مسیر خانه‌مان تا دانشگاه تهران را از کنار بزرگراه چمران می‌دویدم؛ اما الان به خاطر تغییر اتوبان چمران و لاین راست کرد به سمت اتوبان حکیم این مسیر جایی برای پیاده‌روی ندارد. بنابراین می‌روم پل مدیریت و آنجا سوار بی‌آرتی‌های جناب آقای قالیباف شده و پل گیشا پیاده می‌شوم و از آنجا پیاده می‌روم به سمت پارک لاله و چند دور می‌زنم؛ بعد دوباره به دانشگاه می‌روم.

• یعنی برای رفتن به دانشگاه از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنید؟

هم برای رفتن و هم برای برگشتن از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنم و به ندرت‌تاز خودرو شخصی‌ام استفاده می‌کنم.

• خودروتان چیست؟

فرزندم از دواج کرده‌اند و به خانه خودشان رفته‌اند و الان فقط دخترم لیلا که هنوز از دواج نکرده با ما زندگی می‌کند، بنابراین الان ۲ تا خودرو داریم. لیلای پژو ۲۰۶ دارد و همسرم هم هیوندا.

بی‌کلامی برادران زیباکلام

• آقای زیباکلام یکی از کارهایی که شما همواره انجام می‌دهید مناظره با اصولگرایان و تندروهاست. روحیه‌تان برای شرکت در جلساتی که در واقع به نوعی بحث و جدل تلقی می‌شود، چطور است؟ در مناظره چقدر جنبه نقد و انتقاد دارید؟

در مجموع من آدم سلیم‌النفسی هستم. در این ۲۵ سالی که عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران هستم، به هر حال در اسنادید هم مثل همه انسان‌های دیگر روحیه حسادت و رقابت وجود دارد، اما شاید باور نکنید که من در تمام این دوران تلاشی برای گرفتن پایان‌نامه دانشجویان و گرفتن کلاس‌های دکتر انداشتم. در مناظره‌ها هم برای خودم تکلیف می‌دانم که احترام طرف مقابلم را نگه دارم. حالا چه آن طرف مناظره یک سلطنت‌طلب باشد و چه اصولگرای تندرو. معتقدم در مناظره جسد از عقیده‌ای که از آن دفاع می‌کنم نحوه بحث کردن و رفتار با طرف مقابل خیلی مهم است.

• آقای زیباکلام! برادر شما آقای سعید زیباکلام یکی از کسانی است که عقیده‌ودیدگاهش در مسائل سیاسی درست در نقطه مقابل شما قرار دارد. با برادران رفت و آمد دارید؟

متأسفانه باید بگویم ما هیچ رابطه‌ای با هم نداریم. هر از گاهی ممکن است در خانه مادرم بکدیگر را ببینیم ولی خوب، ایشان معمولاً زمانی به آنجا می‌روند که من نیستم. متقابلاً من هم وقتی می‌خواهم پیش مادرم بروم، می‌پرسم که سعید هست یا نیست؟! با این حال تساهلی که من نسبت به اصولگرایان تندرو داشتم در مورد ایشان هم صدق می‌کند ولی الان مدت‌هاست که احساس می‌کنم او این طوری راحت تر است. بنابراین سعی نمی‌کنم خودم را به او تحمیل کنم.

• البته در یک سال اخیر مواضع سیاسی برادران تعدیل و ظاهراً انتقادهای‌شان کمتر شده است. آیا این تعدیل مواضع متأثر از مواضع شما بوده است؟

نه، به هیچ‌وجه از تطایطی به من ندارد. چون اصلاً ما با هم هم‌کلام نمی‌شویم، اما به هر حال او از سال ۸۴ به بعد، به آقای احمدی‌نژاد تمایل پیدا کرد. اما برخلاف خیلی از کسانی که در ۸ سال ریاست جمهوری‌اش به او نزدیک شدند، اما بعد از ۹۲ ترجیح دادند احمدی‌نژاد را نشناسند. سعید همچنان در کنار او ماند و از افکار، عقاید و عملکردش دفاع کردومی‌کند.

اعتماد همسر م‌ترک برداشته است

• آقای زیباکلام! همسرتان هم اهل سیاست و تحلیل مسائل سیاسی است؟ همسر من فوق‌العاده مذهبی و متدین است. حال‌آنکه من بی‌دین باشم اما قطعاً میزان تدین به پای او نمی‌رسد، اما ایشان هم مثل خیلی‌های دیگر که طرفدار نظام و جمهوری اسلامی بودند به تدریج آن اعتباری که برخی از مسئولان برایش داشتند، از بین رفته است.

• دیدگاه‌های شما روی همسرتان تأثیر گذاشته است؟

نمی‌دانم! اگر هم بوده غیر مستقیم بوده؛ اما یک چیزی که می‌دانم خیلی باعث دلخوری‌اش می‌شود، برورنده‌هایی است که علیه من تشکیل می‌شود. آخری‌اش هم پرونده‌ای بود که در خصوص زلزله زده‌ها علیه من تشکیل شد. او از نزدیک شاهد است که من از جیب خودم هزینه می‌کنم تا به مناطق زلزله زده کرمانشاه بروم و یک ریال از کمک‌های مردمی برای خودم هزینه نکرده‌ام؛ بعد وقتی من به خاطر این پول‌ها احضار شدم همسرم خیلی ناراحت شد. بنابراین می‌خواهم بگویم اتفاقات این چنینی باعث شد اعتمادش به نظام ترک بردارد.

• صحبت از کمک‌های مردمی برای زلزله زده‌ها شد. یادم است آن موقع چیزی نزدیک به یک میلیارد از طرف مردم به حساب شما و از بر شده بود و در مصاحبه‌ای که با روزنامه‌ها داشتید هم بیان کردید که قرار است یک روستا را بازسازی کنید. چندماه دیگر سالگره دوازده‌ساله‌اش می‌خواهم بدانم و وعده شما چقدر عملی شده است؟

بیندیم! ما روستای سراب ذهاب قادری که مرکزیت دارد و روستاهای اطرافش هم می‌توانند از امکاناتش استفاده کنند را انتخاب کردیم. قرار است در این روستا کارهای بزرگ با معیارهای توسعه پایدار انجام دهیم؛ مثل تصفیه آب، تأمین برق خورشیدی و ایجاد ساختمانی برای کلاس‌های آموزشی و فرهنگی. مادر حال حاضر با بنیاد مسکن همکاری می‌کنیم و تا زمانی که خانه‌های روستایی ساخته نشود، عملاً کار ما نمی‌تواند شروع شود. با این حال در شرایط کنونی به دلیل بالا رفتن قیمت دلار و تأثیرش روی قیمت مصالح ساختمانی، روند ساخت‌وساز متوقف شده است. بنابراین زمانی که بنیاد مسکن کارش تمام شود آن وقت کار ما شروع خواهد شد.

• آقای زیباکلام! در این گفت‌وگو بیشتر کارها و دل مشغولی‌های‌تان صحبت کردیم. بنابراین عمر حرفه‌ای و کاری شما حدود نیم قرن سن و سال دارد؛ در اردیبهشت‌ماه خبر از بازنشستگی اجباری شما آمد؛ نامه‌ای که ظاهرش شما به آن اعتراض کردید. بالاخره شما بازنشست می‌شوید یا نه؟

چون سن من ۷۰ سال است، دانشگاه تهران من را بازنشسته کرد اما تبصره‌ای برای استاد تمام‌های دانشگاه تهران وجود دارد مبنی بر اینکه دانشگاه به این استادها نیاز داشته باشد اگر ۷۰ ساله هم باشند بازنشست نمی‌شوند، اما بدون استعلام از دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران نامه بازنشستگی من را می‌زند. موعد این بازنشستگی از ترم آینده یعنی مهرماه است، اما بعد از اعتراض من، رئیس دانشگاه تهران و وزیر علوم گفتند که شما بازنشست نشده‌اید، در حالی که نامه رسمی‌اش برای من آمده بود! الان خودم هم دقیقاً نمی‌دانم مهرماه بازنشسته خواهم شد یا نه! (با خنده)